

گفت وگویی مبارک

محملتقی فاضل میبلی



نظری که دکتر عبدالکریم سروش به تازگی درباره «وحی» مطرح کرد و جنجال و الشهابی که در پی آن برانگیخت، برخی مومنان را به تأمل فرو برد که شاید چنین نظری به انکار وحی، به معنایی که در کلام سنتی مطرح است، بینجامد. معلودی از عالمان حوزه در پی پاسخ برآمدند و پاره‌ی برای اینکه از زحمت اندیشیدن و پاسخ علمی دادن آسوده باشند، بنای جنجال و شیون گذاشتند، به گونه‌ی که فرد ناخبره‌ی، که کارش تولید فیلم است، بر کرسی فقهات نشست و فتوای تکفیر را صادر کرد و رسانه به اصطلاح ملی کشور، این فتوای غیرمطقی را در شبکه ۲ ساعت ۸/۳۰ پخش کرد.

در اینجا آنچه که پیش صاحب‌نظران و خریداران میمون و مبارک است، باب گفت وگویی است که در این باره گشوده شده و به جای بساط تکفیر که حربه جاهلان است روش تحقیق که سیره عالمان است پیش گرفته می‌شود. در این میان آنچه مسأله را از صحنه جنجال به عرصه علمی کشاند، پاسخ استاد آیت‌الله جعفر سبحانی از استادان نامدار حوزه علمیه قم بود که شیوه و روش عالمان و امامان (ع) را دنبال کرد و با طرح مسأله علمی به دنبال داشت.

بسط را به دنبال داشت.

۳- آیت‌الله جعفر سبحانی از معلود عالمانی است که علاوه بر تدریس و تحقیق در اصول، فقه، تفسیر مباحث کلامی را همواره دنبال می‌کرده و در مرکز تحقیقاتی «امام صادق» که به همت ایشان تأسیس شده، کلام جلیددار توسط اساتیدی مانند مصطفی ملکیان و استادان نواندیش دیگر به عرصه آموزش و پژوهش برده است و کتاب‌های کلامی چندنی به قلم این استاد نامور حوزه یا به نظرات ایشان منتشر شده است که بعضاً از کتاب‌های درسی حوزه به شمار می‌رود.



میان آیت‌الله سبحانی و دکتر سروش تاکنون به دفعات، گفت‌وگوهای علمی صورت گرفته،

(پنججانب در غالب آن جلسات حضور داشت) که برای هر دو این بزرگواران ثمراتی در پی داشت. امید است این باب گفت‌وگو، پیرامون مسأله وحی که یکی از مسأله‌های کلیدی کلامی است، (شاید منشاء پدایش

علم کلام از همین جا صورت گرفت که آیا کلام خداوند (وحی) حادث است یا قدیم) ادامه یابد. بی‌شک اگر این شبهه‌افکنی‌ها و گفت‌وگوها با جنجال بازی و چماق و

تکفیر در گذشته خاموش می‌شد، در این روزگار شاهد این همه سوارپث فرهنگی نبودیم. آرزوی هر پژوهشگر این است که علم و حلم امثال استاد سبحانی در حوزه‌ها و عرصه‌های علوم دینی فراگیر شود و از طرح مباحث و

مسائل جدید نهراسند. مرحوم شهید مطهری، اگر در بدو ورود به دانشگاه از شبهات مارکسیستی و اگر پستانسیالیستی دچار هراس می‌شد و جامه‌حلم از قامت علمش برکنده می‌شد به آن مدارج علمی نمی‌رسید. آتمی اگر روزنه ذهنش را به روی افکار دیگران بیند و هر آنچه که در چارچوب سنت فرا گرفته، مورد تعصب و تجزم قرار دهد، و اشعری صفت دین بورزد و خوارجی مسلک حرکت کند، برخلاف آموزه‌های قرآن و پیامبر حرکت کرده که همه جا دعوت به تعقل است.

در اینجا آنچه که پیش صاحب‌نظران و خرید پیشگان میمون و مبارک است باب گفت وگویی است که در این باره گشوده شده و به جای بساط تکفیر که حربه جاهلان است روش تحقیق که سیره عالمان است پیش گرفته می‌شود

۳- کسانی که تحمل طرح این مباحث را ندارند، اگر تحمل زحمت تحقیق و تشیع داشته باشند و به کتاب‌های احتجاجی که از امامان رسیده است، رجوع کنند، خواهند دید که آن بزرگواران در برابر سخنانی که به زعم خیلی از عالمان امروز گند کفرش همه جا را می‌گیرد، حربه‌ی به جز علم و حلم نداشتند. از جسمیت

خداوند گرفته تا نظر به سهو و خطا در باره پیامبران و انکار مهلویت و عصمت و غیب‌دانی امامان سخنانی بوده که در محضر آن امامان مطرح بوده و همه جا شاهد مواجهه علمی هستیم و اگر آن پاسخ‌های علمی به آن شبهات در لابه‌لای کتاب‌ها از زبان آنان نمی‌بود، معارف اسلامی و شیعی به این فریبه نمی‌رسید. یکی از غبن‌ها و غیبه‌هایی که هر اندیشوری را رنج می‌دهد این است که چرا امثال دکتر سروش در جمع حوزویان و دانشگاهیان وجود ندارند و اگر این حضور با مسائل سیاسی گره نمی‌خورد و حفظ می‌شد، ممکن بود هم امثال دکتر سروش به گونه‌ی دیگر بیندیشند و هم کسانی که با او رویاروی علمی ندارند.

چه زیبا امامان بزرگوار فرموده‌اند: «ضربوا بعضی‌الرای علی بعضی حتی یقولد منه الصواب» نظرها را درآویخته کنید تا حقایق زاده شود.

اگر طرح‌پاره‌یی از مسأله‌ها که برای بعضی غریب می‌نماید، بدون رویاری علمی، محکوم و مستخوم شود، جز اینکه بر تعداد شبهات بی‌پاسخ بیفزاید ثمر دیگری ندارد. آقای مجتهد شبستری که بحث «قرائت نبوی از جهان» را مطرح کرد و در پی آن مجله «مدرسه» تعطیل شد، خیلی از پاسخ‌های علمی یا مسأله دیگری که ممکن بود در کنار آن طرح شود، در محاق فرو رفت زیرا تعطیلی یک مجله به خاطر درج مقاله علمی، انگیزه‌ی برای پژوهشگر باقی نمی‌گذارد. چه می‌اندیشند کسانی که خیال می‌کنند با تعطیلی یک مجله وظیفه شرعی و فرهنگی خود را انجام داده‌اند. غافل از اینکه ابها جلوی رشد و بالندگی علوم را می‌گیرند.

۴- یکی از مشکلاتی که برای بعضی بزرگان به خاطر مشاغل زیادی که دارند، وجود دارد این است که از گفتارهای علمی به صورت گزارشی که در رسانه‌ها و پوشتن‌ها درج می‌شود، با اطلاع می‌شوند. با تأسف باید گفت در این روزگار جریان‌های علمی خطی و سیاسی شده و یک مقاله یا گفتار علمی را با انتخاب تیره‌های گزینده و تحریک‌کننده ترویج می‌کنند. طبیعتاً یک مقاله یا نظر علمی تا تمامی آن به دقت مورد مذاقه قرار نگیرد نمی‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد. در این روزگار به خاطر رشد و بالندگی علوم و سر بلند کردن عقل نقد، خیلی از مسأله دینی که در گذشته به صورت پداهت مورد قبول بوده، از پداهت افتاده و به میدان نقد و تحلیل افکنده شده است.

باید عالمان حوزه به خود زحمت و رخصت بیشتری بدهند تا این مباحث آفتابی شود و طلاب و دانشجو یان نواندیش با این چالش‌ها درگیر شوند. نباید اجازه داد تا یک مسأله علمی با حمل چند پلاکارد پس از نماز جمعه یا در جاهای دیگر حتی در تریون‌های خطابه‌ی مطرح و محکوم شود که چنین برخوردهایی هم در سیره و سنت پیشوایان دین محکوم است و هم دنیای امروز آن را برنمی‌تابد.